

## امپریالیستهای اشغالگر دولت مزدور در افغانستان به قربانیان جنایات شان «غرامت» می پردازند!

سی سال است که خون خلق ستمدیده و مظلوم افغانستان ریخته شده و سخیف ترین جنایات و وحشیانه ترین ستم ها بر آنان روا داشته شده است. با وقوع کودتای ننگین 7 ثور سال 1357 خورشیدی که گروه های خلقی پرچمی بقدرت رسانده شدند و بعد باتجاوز نظامی مستقیم سوسیال امپریالیسم شوروی در ماه جدی سال 1358؛ در طی یک ونیم دهه حدود دومیون خلق مارابه قتل رسانده و ده ههزار نفر را در زندانها و وحشیانه شکنجه کرده و یا به جوخه های اعدام سپردند. بیش از یک میلیون از مردم را معلول و معیوب کردند. سوسیال فاشیستهای روسی و جنایت کاران و میهن فروشان خلق پرچمی و دیگر گروه های مزدور روسی در طی این مدت انواع ستم و مظالم و اجحاف و جنایات را بر این خلق عذاب کشیده و روا داشتند. با ترفشار استبداد سبعانه و بمبارانها و قتل عامهای دیوانه و اربوگیر به بند از طرف اشغالگران روسی و این رژیم مزدور بیش از شش ملیون تن از مردم آواره شدند. و علاوه اینها خسارات معنوی و مادی جبران ناپذیری در همه عرصه ها بر مردم و کشور وارد آوردند. بعد از سقوط رژیم خلقی پرچمی ها و تشکیل دولت اسلامی از گروه های جهادی و ملیشه های مزدور روسی و بخشهای از پرچمی خلقی ها و سازائنها دور دیگری از کشتار خلق ما و ویرانی کشور آغاز گردید. در طی چهار سال حکومت وحشت اسلامی ده ها هزار نفر را در شهر کابل و سایر ولایات بقتل رسانده و بخش اعظم شهر کابل را ویران کردند. این گروه های جانی شنیع ترین جنایات و تجاوزات را بر مردم شهر کابل و سایر شهرها اعمال کردند؛ غارتگری و چور و چپاول و غصب دارائیهای مردم و عامه توسط این گروه های مزدور و رهن باگستردگی انجام شد.

با وارد کردن طالبان توسط دولت امریکا و دولتهای پاکستان و سعودی در صحنه رقابت در تصرف قدرت دولتی دوسوم کشتار خلق ما آغاز شد. گروه متحجر طالبان انواع ستم ها و مظالم را بر مردم وارد آورده و سعی کردند تا جامعه را هر چه بیشتر به قهقرابکشانند. این گروه قرون وسطائی و متحدین آن، گروه های القاعده و طالبان پاکستانی و ارتش دولت پاکستان از یکطرف و گروه های ائتلاف شمال به کمک دولتهای فدراسیون روسیه و دولت ایران و هند و تاجکستان و ازبکستان از طرف دیگر در طی شش سال کشور را به جهنمی برای باشندگان آن مبدل کردند.

واقعه 11 سپتمبر 2001 میلادی و فروپاشی برجهای مرکز تجارت جهانی در امریکا زمینه ساز آغاز دور دیگری از تجاوز و اشغال نظامی و تسلط استعماری در افغانستان گردید. ابر قدرت امپریالیستی امریکا به منظور گسترش امپراتوری جهانی اش با تمسک قراردادن واقعه (11 سپتمبر) و طرح شعار «جنگ علیه تروریسم» در رأس یک ائتلاف امپریالیستی ارتجاعی از کشورهای عضو ناتو و سایر کشورهای وابسته اش بتاريخ 7 اکتوبر سال 2001 افغانستان را مورد تهاجم نظامی قرار داده و آنرا به مستعمره کشید. این قدرتهای جهانخوار در طی هشت سال هزاران تن از مردم مظلوم را بقتل رسانده و هزاران تن دیگر را معلول و معیوب کرده و با تشکیل زندانهای متعدد صدها نفر از افراد بیگناه را وحشیانه شکنجه کرده اند. هم چنان طالبان و حزب اسلامی گلب الدین و حقانی و متحدین آنها، القاعده و طالبان پاکستانی به کمک و حمایت دولت پاکستان که علیه قوای اشغالگر دولت مزدور می جنگند، هزاران نفر از خلق مظلوم را عمدتاً در مناطق شرقی و جنوب غربی کشور بقتل رسانده اند. خلاصه سی سال است که خون خلق این کشور توسط گروه های جانی و مزدور بیگانه و حامیان خارجی آنها ریخته می شود. طبق ادعای برخی از نهادهای ملل متحد علاوه بر این همه کشتار و جنایات؛ از کودتای ثورتاکنفرانس بن دریک ارزیابی حدود (240) بیلیون دلار در ارزیابی دیگری حدود (644) بیلیون دلار به مردم و کشور توسط امپریالیستها و مزدوران داخلی آنها خاصتاً دولت سوسیال امپریالیستی شوروی و رژیم خلقی پرچمی ها، خسارت وارد شده است. و در همه این دوره ها کشور مورد تجاوز قرار گرفته است. برگردیم به اصل مطلب که قدرتهای اشغالگر دولت مزدور آنها برای قربانیان جنایات شان در افغانستان «غرامت» می پردازند:

"بتاریخ 2 جولای سایت فارسی بی بی سی گزارش داد که بریتانیا به افغانهای خسارت دیده غرامت می دهد. دولت بریتانیا تأیید کرده است که برای مرگ دست کم صد و چهار غیرنظامی که ادعا شده است در جریان عملیات نظامی این کشور در افغانستان کشته شده اند، خسارت پرداخت کرده و یا در حال بررسی درخواست غرامت در این زمینه است. گفته شده که رقم افشاشده، که بدنبال درخواست شبکه چهارتلویزیون بریتانیا و بنابه قانون آزادی اطلاعات، توسط وزارت دفاع این کشور منتشر شده است، نشان می دهد که دولت بریتانیا در هجده ماه گذشته 200 هزار دلار خسارت پرداخت کرده است. این خسارت به خانواده های که ادعا کرده اند خویشاوندان غیرنظامی آنها در عملیات نظامی بریتانیا در افغانستان کشته شده است. غرامت پرداخت شده از (210) دلار برای مرگ یک زن تا 39 هزار و هفتصد و پنجاه و دودولار بابت «تلفات چندگانه»، بوده است. اما 113 پرونده شکایت از ارتش بریتانیا و درخواست غرامت رد شده است. اکثر نیروهای بریتانیایی با گروه طالبان در ولایت هلمند در نبرد بوده اند. اسناد افشا شده که مربوط به عملیات ارتش بریتانیا در افغانستان از دسامبر 2007 تا ماه می 2009 می شود، نشان می دهد که خسارتی صد هزار دلاری از جمله تقاضای های رد شده است. تقاضای غرامت بابت یک حادثه منفرد در درگیری های موسی قلعه درخواست شده بود. در حادثه مذکور که در تابستان سال 2007 در موسی قلعه رخ داده بود، گفته شد پانزده کودک و پنج بزرگسال کشته شدند. بنا به این اسناد، دولت بریتانیا در سال 2008 برای مرگ دو کودک در همان شهر موسی قلعه، ده هزار دلار خسارت داده است. رقم 39 هزار و هفتصد و پنجاه و دودولار پس از حادثه ای که در ماه اکتوبر سال گذشته در ولایت (شهر) لشکرگاه رخ داد، پرداخته شده است."

ارتش های امریکائی و ناتو در طی هشت سال اشغال و استعمار کشور، هزاران نفر از مردم مارا بقتل رسانده اند لکن موضوع پرداخت غرامت («خون بهاء») به قربانیان جنایات آنها در سالهای اخیر مطرح شده است. این مبلغ ناچیز در برابر قتل هر افغان نیز یکی دیگر از ترندهای رذیلانه قدرتهای اشغالگر دولت مزدور آنها به منظور «تسلی» و «فرونشاندن خشم» بازماندگان قربانیان جنایات آنهاست در سالهای اخیر دولت مزدور برهبری کرزی نیز در مواردی در برابر قتل هر نفر هزار و دو هزار دلار و برای مجروحانی که با اثر این حادثه معلول و معیوب شده اند نصف این مبلغ را پرداخته است. البته همراه باریختن چند قطره اشک تمساح از طرف کرزی و اظهار تأسف یک افسر از قوای اشغالگر و وعظ تخدیرکننده اذهان بازماندگان قربانیان توسط یک ملا و یارو حانی مزدور. و یا در مواردی که قوتهای اشغالگر از یک فامیل چند نفر را بقتل رسانده اند؛ دولت مزدور علاوه بر پرداخت این مبلغ «خون بهاء» رئیس فامیل کشته شدگان را بمصرف دولت و قدرتهای اشغالگر به «زیارت حج بیت الاله» نیز فرستاده است. و در مواردی هم در برابر ویران کردن خانه های قربانیان یک نمره زمین به فامیلهای کشته شدگان داده اند. در موارد فوق ملاحظه می شود که مردم مظلوم افغانستان به چه سرنوشت المناک و وحشتناکی گرفتار آمده اند که در وضعیت اسارت در زیر چکمه های ارتش های بیش از چهل کشور امپریالیستی و ارتجاعی و ستم و مظالم دولت مستعمراتی متشکل از جانی ترین باندهای آدمکش مزدور بومی؛ بیرحمانه بقتل می رسند و خون آنها بین 210 دلار تا یک هزار دلار امریکائی و در موارد استثنائی 5 هزار دلار امریکائی، ارزش دارد! آیا جنایتی از این فجیعتر و ظلمی از این شنیعتر است که بر مردم ما روا داشته می شود؟ اشغالگران خارجی و مزدوران داخلی آنها در طی سی سال اخیر مردم مارا در چنان وضعیتی از فقر و گرسنگی، بیچارگی و تنگدستی، مظلومیت و محرومیت رسانده اند که حاضران این مبلغ ناچیز را در برابر قتل عزیزان شان بپذیرند. این حالت نهایت بیچارگی و محکومیت مردم یک کشور را نشان می دهد؛ خلقی که بامبارزات دلیرانه خود از اوایل دهه پنجم قرن 19 تا اخیر دهه دوم قرن بیستم پوزه ابر قدرت استعماری و امپریالیستی بریتانیای کبیر را سه بار بخاک مالید و در اخیر دهه هشتم قرن بیستم ابر قدرت سوسیال امپریالیستی شوروی را شکست نظامی داد. ولی در آغاز قرن بیستم و یکم در چنان حالتی از بیچارگی و ذلت و خواری قرار داده شده است که خون آن چون آب جوی ریخته شده و حاضران خون بهای ناچیز و تحقیر آمیزی را در برابر آن قبول کند. این نه تنها بزرگترین جنایتی است که علیه خلق ما صورت می گیرد بلکه بزرگترین توهین و تحقیری است بر مردم افغانستان.

طبق تذکرفوق دولت های انگلیس امریکا برای کشته شدن هرنفر (قربانی جنایات آنها) در افغانستان مبلغ (210) دالرتا یک هزاردالر «خون بهاء» می پردازند؛ لاکن چند سال قبل دولت امریکا در برابر هرنفری که در حادثه سقوط هواپیما در ماه دسمبر سال 1988 بر فراز لاکیری در اسکاتلند کشته شد (دولت امریکا عمال دولت لیبی را در سقوط آن طیاره متهم کرد)، حدود ده ملیون دلار غرامت مطالبه کرد که دولت لیبی حاضر شد در برابر کشته شدن 270 نفر در آن حادثه مبلغ 2 میلیارد و 700 ملیون دلار غرامت بپردازد. اینست قضاوت و عدالت و اخلاق و منطق سرمایه و امپریالیسم. از این مطلب این طور استنباط نشود که امپریالیسم برای خون خلهای کشور خودش ارزش قایل است؛ بلکه در این دومورد در یک جهت خلق مظلوم و تحت سلطه استعماری امپریالیسم خهانخوار و ارتجاع مزدور و خون آشام قرارداد و در طرف دیگر قدرت سرمایه و امپریالیسم جهانی و منافع آن مطرح است. ورنه امپریالیسم بخاطر منافعش خون خلهای کشورش را بی باکانه می ریزد و حتی حاضر است در راه تحقق اهداف غارتگرانه اش خون ملیونها نفر را در جهان بریزد.

بی مورد نیست تا بانگاهی به تاریخ جنایات استعمار و امپریالیسم علیه و خلهها و ملل اسیر؛ مثالهای را از تعیین ارزش حیات و خون خلهها توسط آنها در اینجا ذکر کنیم:

سرمایه از بدو پیدایش و رشد و تکامل آن در مراحل مختلف، تاریخ و حشنتبار و خون چکانی دارد؛ در مرحله از انباشت سرمایه به گوشه از جنایات سرمایه توجه کنید: "این کارشناسان سختگیر و ترش روی پروستانتیسم، این منزله طلبان انگلستان جدید، در سال 1703 میلادی بنا به تصمیمی که در شورای خود اتخاذ نمودند، جایزه ای بمبلغ 40 لیره استرلینگ در برابر پوست سر هر بومی یابرای اسیر ساختن هر سرخ پوست مقرر داشتند و در سال 1720 برای هر پوست سر جایزه ای 100 لیره ای معین نمودند. در سال 1744، پس از آنکه خلیج ماساچوست قبیله معینی را متجاوز و بیایگی اعلام می داشت، قیمتهای زیرین تعیین گردید: برای پوست سر ذکور 12 ساله و بالاتر 100 لیره ای استرلینگ، برای پوست سر هر ذکور 105 لیره استرلینگ و برای زنان و کودکان اسیر 50 لیره استرلینگ و برای پوست سر زنان و کودکان 50 لیره استرلینگ! چند دهه بعد فجایع سیستم استعماری تلافی این جنایات را بسر اخلاف آن پدران و زئران مؤمن، که بنوبه خود طغیان کرده بودند، در آورد. باتحریر و پول انگلیسان اینان بضرر تبرزین های هندیان ساطوری شدند. پارلمان انگلستان سگهای درنده و پوست سرکن را «وسایلی که خداوند و طبیعت در دست او نهاده است» اعلام نمود." (نقل از صفحه 38 رساله " نظام سرمایه داری بر استعمار وستم، غارت و تاراجگری خلهها و ملل استوار بوده؛ و بحران اقتصادی سرمایه داری علاج ناپذیر است- نویسنده پولاد-").

بر خلاف ادعای ارتش های اشغالگر و دولت مزدور آنها این همه کشتار خلق ما در طی هشت سال اخیر هرگز تصادفی نبوده بلکه این وحشیان «متمدن» به اشکال و شیوه های مختلف از مردم ما انتقام میگیرند. اینها در چندین مورد بامبارانهای هوایی گروه های مردم را قتل عام کرده اند. قوتهای اشغالگر مجالس عروسی و عزاداری مردم مظلوم را بمباران کرده و ده هاتن را بقتل رسانده اند. در چند مورد دیگر مثلاً در ولسوالی پنجوائی (ولایت قندهار) در ماه اکتوبر سال 2006 بیش از (65) نفر انسان بیگناه را بقتل رساندند. همچنان قتل عام (90) نفر در ولسوالی شیندند (ولایت هرات) در ماه اگست سال 2008. و نیز کشتار بیش از (150) نفر بتاريخ 5 ماه می 2009 در منطقه بالابلوک ولایت فراه توسط ارتشهای امریکا و ناتو. این موارد و چندین مورد دیگر از کشتار دسته جمعی مردم مابهیچ صورت نمی تواند تصادفی باشد. اینها در برابر قتل هر عسکرشان توسط نیروهای طالبان و گروه های دیگر چندین تن از مردم مظلوم و بیگناه را سبانه و انتقامجویانه بقتل می رسانند. چنانچه در دوران حاکمیت رژیم جنایتکاران خلقی پرچی و اشغالگران روسی؛ زمانی عسکر روسی قاتل و یا یک حزبی جانی توسط نیروهای مقاومت مورد حمله قرار گرفته و کشته می شد؛ ارتش اشغالگر روسی و دولت مزدور در همان محل ده ها تن از مردم بیگناه را به رگبار مسلسل بسته و توسط طیارات روسی منطقه را بخاک برابر می کردند. همه ارتشهای اشغالگر و همه رژیم های مزدور دشمن بشریت به چنین شیوه های از مردم های زیر سلطه و اسارت شان نیز انتقام گرفته و می گیرند. کینه، نفرت، خشونت، بیرحمی، جنایت، سبعت و وحشی گری علیه توده های مردم جزء سرشت و خصلت دولتها و ارتشهای

استعمارگرواشغالگرو دولت‌های مزدور است. چه در شرایط استعمارکهن و چه در دوران استعمارنوداستان‌های نفرت انگیز و هولناکی از جنایات و قساوت و وحشی گریهای ارتش‌های اشغالگرو دولت های مزدورانها علیه خلقها و ملل مظلوم در همه نقاط جهان وجود دارد. سرمایه و امپریالیسم مانند نظام های برده داری و فئودالیسم تاریخ سیاهی از ستم و جنایت علیه خلقها و ملل جهان دارد. سرمایه در جهت رشد و توسعه آن یعنی کسب سود و ارزش اضافی از هیچ جنایتی علیه خلقها و ملل روی گردان نبوده و نیست. اگر استعمارکهن و امپریالیسم و استعمارنودر صدهای گذشته بانیرنگ و تزویر بنام توسعه تجارت و رشد و ترقی و تجدد بر خلقها و ملل ضعیف مسلط می شد و شنیع ترین جنایات را بر خلقهای کشورهای تحت سلطه استعماری آنها روا می داشتند و هست بود مردم و کشور را به غارت می بردند؛ اما امپریالیسم امریکا در ائتلاف با امپریالیستهای اروپائی و سایر دولت‌های امپریالیستی و ارتجاعی متحد آنها در قرن بیست و یکم زیر نام «دموکراسی»، «جامعه مدنی» و «بازار آزاد» بر خلقها و ملل تهاجم نظامی کرده و آنها را به مستعمره کشیده و دولت‌های مستعمراتی تشکیل میدهند. امریکا و متحدین آن با کمال بی شرمی و دنائت در کشورهای افغانستان و عراق سناریوی انتخاباتی برای مردم می اندازند؛ مزدوران و هواخواهان شان را وظیفه می دهند تا صحنه های مضحک و تهوع آوری از فعالیت‌های انتخاباتی برای مردم براه اندازند و توده های مردم ناآگاه و اسیر را با چنین ترفندهای اغوا کرده و بی‌پای صندوق‌های رأی بکشاند. چنانچه در طی هشت سال اخیر چند بار چنین نمایشات مسخره ای را در افغانستان و عراق در هر دو کشور تحت سلطه استعماری شان براه انداخته تا سلطه استعماری و حاکمیت طبقات ارتجاعی مزدور شان را «قانونیت» بخشند. اینست ماهیت دموکراسی قرن بیست و یکم که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا درباره آن تبلیغات می کند. در افغانستان گروه‌های «روشنفکر» از قماش‌های گوناگون که سردر آستان امپریالیسم و ارتجاع فرود آورده اند، شب و روز از طریق صدها وسیله نوشتاری، وده ها وسیله تصویری و سمعی بیول امپریالیسم در داخل و خارج کشور در ستایش از امپریالیسم و آرایش چهره استعمار در قرن بیست و یکم مشغول اند و به اشکال و شیوه های مختلف توده های مردم ناآگاه را به گمراهی کشانده و فریب می دهند.

این وظیفه هر فرد آزادی خواه و میهن دوست است تا فرهنگ انقیاد طلبی را که بوسیله امپریالیستهای اشغالگرو مزدوران داخلی آنها ترویج و تبلیغ می شود و همه ترفند های امپریالیسم و دولت دست نشانده منجمله خون بهاء گیری، عفو جنایت کاران سه دهه اخیر و نمایش‌های انتخاباتی را به هر وسیله ممکن افشا کند. مردم ما باید بدانند که با این مبلغ ناچیز و پابه هر قیمتی از خون عزیزان خود نگذرند. زیرا جنایت به «گرامت دادن و عفو خواستن» جبران نمی شود. و جنایتکاران باید به سزای اعمال شان برسند. این غارتگران جهانخوار و دولت مزدور بخاطر رسیدن به اهداف شوم و پلید شان خون مردم مارامی ریزند. اینها از وضعیت فقر و تنگدستی و وحشتناک و ناآگاهی توده های مظلوم و بر مرق رسیده استفاده کرده و ملامت و روحانیون مرتجع و مزدور نیز با سوء استفاده از معتقدات مذهبی مردم و با تمسک به «آیت و حدیث» سعی می کنند تا فرهنگ غرامت گیری (خونبها) و عفو دشمنان خونخوار داخلی و خارجی را در بین مردم ترویج کنند؛ تا از یک طرف از شدت تضاد توده های مردم با امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدور بکاهند و از طرف دیگر روحیه و اراده انتقام و حسابگیری مردم از دشمنان خونی آنها را تضعیف کنند. ولی امپریالیستها و مزدوران داخلی آنها برای همیشه نخواهند توانست سلطه استعماری و ارتجاعی شان را بر مردم افغانستان تحمیل کنند. آن روز خواهد رسید که مردم ماییدار شده و بامبارزات مترقی و انقلابی شان انتقام خون عزیزان شان و این همه جنایات و اجحافات و ستم و مظلومی که بر آنها صورت گرفته است از دشمنان ملی و طبقاتی شان بگیرند.

15 جولای 2009

(فعالین جنبش نجاتبخش مردم افغانستان)

